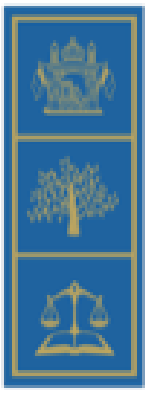

INSTITUTE FOR
LAW AND SOCIETY
IN AFGHANISTAN

Farzana Obaidi

The article "solutions for people's cohesion in the current conditions of Afghanistan" emphasizes the importance of national unity and people's solidarity. She also proposes solutions including establishing communication channels, providing humanitarian aid, supporting civil society, ensuring security and diplomatic engagement to address existing challenges and strengthen national cohesion.

فرزانه عبیدی

راه حل ها برای انسجام مردم در شرایط فعلی افغانستان

اساس و شالوده نظام مدیریت یک حکومت و دولت را؛ انسجام، همبستگی و وحدت ملی تشکیل میدهد، زیرا منافع ملی کشورها و بالاخص امنیت و آرامش آن در گروِ این پدیده است، زیرا تنوع زبانی، قومی، مذهبی و فرهنگی در کشورها معمول است و در صورت عدم مدیریت درست وسیله عدم انسجام گردیده که این خود زمینه ساز بسا اغتشاشات و بحرانها گردیده و فرصت ها را برای تهدیدات امنیتی و تضعیف ظرفیت سازی نظام فراهم میکند. متاسفانه افغانستان طی چندین دهه جنگ و مبارزه و بحران، شاهد ویرانی های زیاد و عدم امنیت و انسجام و همبستگی بوده است. اما آنچه که در افغانستان خیلی چالش برانگیز بوده و بستر ویرانی فراوان را در همه ابعاد زندگی مردم گسترده است عدم امنیت و صلح دایمی بوده است؛ زیرا امنیت از ارزش های حیاتی جوامع بشری است که فلسفه وجودی دولت های ملی هم تأمین امنیت برای مردم آن میباشد. اما برآورده شدن این پدیده در افغانستان در حکومت بنام وحدت ملی یا همان جمهوریت فقط در حد یک شعار بود و هیچگاهی جهت عملی ساختن آن به طور باید و شاید کار نشد و از عوامل مهم آن اختلافات بی حد و حصر بین رهبران سیاسی و دامن زدن به تعصبات در ابعاد مختلف زندگی افغانها بود و این رهبران سیاسی بودند که بذر چنین تعصبات و عدم هماهنگی را به صورت سیستماتیک کاشتند که سرانجام باعث خسارت های غیر قابل جبران بر مردم گردید. این در حالی بود که علاوه بر فرصت ها و امکانات داخلی؛ فرصت های بین المللی نیز برای رسیدن به ترقی و پیشرفت و امنیت برای افغانها وجود داشت، و اما برعکس؛ چالش های درون حکومتی و بیرون حکومتی را اساس گذاشتند و همین بود که نظام قبلی با ناکامی مواجه گردیده و بالاخره باعث سقوط و از هم پاشیدن نظام و به خاک یکسان شدن تمامی زحماتی شد که افغانها و جامعهء جهانی جهت آبادانی و ترقی افغانستان در عرصه های مختلف متقبل شده بودند.

با روی کار آمدن حکومت طالبان تحولات رنگ دیگری و حتی سیاهتر از قبل به خود گرفت. هرچند مردم از لحاظ امنیتی نسبتا در آرامش به سر می برند اما آنچه که سبب بی ثباتی و بحران عمیق در این دو سال اخیر شده است؛ اعمال برخی سیاست های طالبان بوده که در رأس آن ممنوعیت تحصیل و تعلیم دختران قرار دارد که باعث نارضایتی ها در سطح ملی و بین المللی گردیده است، همچنان عامل دیگر چالش ها، بی ثباتی و عدم انسجام در حکومت فعلی، دامن زدن به اختلافات قومی و نادیده گرفتن مطالبات اجتماعی و ضعف مدیریت است.

همانگونه که مهمترین چالش نظام قبلی عدم انسجام و همسویی بین رهبران سیاسی و مردم بود در حکومت فعلی نیز عدم انسجام و عدم وحدت بین رهبران سیاسی باعث ایجاد تنش ها و اختلافات در حکومت و میان مردم گردیده است. ممنوعیت و محرومیت دختران از تحصیل و عدم انسجام در امور مربوط به جوانان، فقر و بیکاری و عدم امنیت، اختلافات و تبعیضات لسانی و قومی و افراط گرایی از عوامل مهم مشکل زا و از هم پاشیدگی حکومت و دولت و فاصله بین مردم و حکومت گردیده است، در حالیکه همگرایی ملت ها در توسعه و انکشاف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورها نقش برازنده و سازنده را ایفاء میکند، و عدم انسجام در موارد مختلف و زمینه های گوناگون از مهم ترین عوامل بازدارنده ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور و ملت محسوب می شود و این موارد همه موانعی هستند که سبب

عدم تحکیم پایه های حکومت و نظام فعلی گردیده است. عملکرد رهبران و چهره های مطرح و سهیم در قدرت سیاسی، متأسفانه که نه در نظام های قبلی در مقابل ملت شفاف و عادلانه بوده است و نه در نظام فعلی. از همین سبب بوده است که هیچ نظامی تا هنوز در تأمین حقوق اولیه و حیاتی مردم و تحکیم عدالت اجتماعی موفق نبوده است و مردم قربانی و دستخوش تحولات و عدم انسجام گردیده اند و بدبختانه در افغانستان هر حکومتی به جای تحکیم وحدت ملی، زمینه نفاق ملی را با سیاست های مغرضانه خود فراهم می سازند.

بناء در نتیجه تغییرات و تحولات اخیر در افغانستان، تمرکز بر سازماندهی و هماهنگی مردم به منظور کمک به مردم افغانستان، تضمین ثبات و رسیدگی به نگرانی های بشر دوستانه مهم است، برای دستیابی به این هدف در این زمان حساس، اقدامات زیر باید انجام شود:

1.**ایجاد کانال های ارتباطی، اجتماعی و دانشگاهی مؤثر:** برای اطمینان از ارتباط با افغان ها ایجاد چنین کانال هایی ضروری است. این هدف را می توان از طریق منابع مختلفی از جمله سازماندهی ارتباطات آنلاین، استفاده از انجمن های رسانه های اجتماعی و همکاری با رهبران جامعه محلی به دست آورد، این کانال ها انتشار اطلاعات مهم را تسهیل می کند.

2.**ارائه کمک های بشردوستانه برای افغانها:** این شامل اطمینان از دسترسی به غذا، آب صحی، سرپناه و کمک های پزشکی است. هماهنگی و همکاری با سازمان های بشردوستانه بین المللی و سازمانهای غیر دولتی محلی می تواند به ارائه کمک های موثر به افراد نیازمند کمک کند.

3.**حمایت از جامعه مدنی:** سازمان های جوامع مدنی نقش مهمی در تامین نیاز های افغان ها دارند، حمایت از این سازمان ها با تأمین منابع و کمک ها می تواند تلاش های آن ها را در زمینه مراقبت های بهداشتی، آموزشی، حقوق تحصیلی زنان و رفاه جامعه تقویت کند.

4. **تضمین امنیت و ثبات:** برای تضمین امنیت و ثبات باید تلاش کرد، این اهداف را می توان با همکاری شرکای بین المللی ، مقامات محلی و رهبران جامعه برای حفظ نظم و قانون و حمایت از حقوق افغان ها محقق کرد.

5. **تعامل دیپلماتیک:** مشارکت در تلاش های دیپلماتیک برای درک وضعیت جاری امنیتی، سیاسی و اقتصادی در افغانستان و تلاش برای راه حل های بلند مدت ضروری است. این شامل همکاری با شرکای منطقه ای، سازمان های بین المللی و هیئت های دیپلماتیک برای رسیدگی به چالش های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

6. **مبارزه به نام حقوق افغانستان و تمرکز بر آن:** دعوا بر سر این یا آن نام منجر به تعصبات میشود و ما باید آماده مبارزه با هر نوع تعصب باشیم. در این زمان حساس؛ تمرکز باید بر مطالبه حقوق هر افغان اعم از زنان، کودکان، اقلیت ها، جوانان و غیره باشد. تاکید ویژه بر دسترسی به آموزش یک امر دینی و فرهنگی ما است و در نتیجه استقلال و پیشرفت ما را تضمین می کند، این مورد نباید در لیست درخواست های خارجی و سفارش خارجی قرار بگیرد.

7. **برنامه ریزی بلند مدت با مشورت مردم:** برنامه ریزی دراز مدت شامل ایجاد یک استراتژی برای توسعه پایدار، بازسازی زیربنا ها، ارتقای فرصت های اقتصادی و جذب و القای امید به آینده در میان افغان ها است.

بنا برین سازماندهی و هماهنگی با افغانها در این برهه و شرایط حساس مستلزم رویکرد چند بعدی است که شامل ارتباطات، کمک های بشردوستانه، حمایت از نهادهای جامعه مدنی، تدابیر امنیتی، دیپلماسی و توانمند سازی قشر مظلوم اجتماع می باشد و شامل توسعه لایه ها، ظهور و حمایت دراز مدت آنها می شود.

در نتیجه؛ انسجام دوبارهء مردم افغانستان میتواند از طریق اقدامات متعددی حاصل شود. این اقدامات باید به اشکال مختلفی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی صورت گیرد مانند ایجاد شغل، ترویج کارآفرینی، توسعه سیستم آموزشی، ساخت زیرساخت ها، ترویج تفاهمات فرهنگی، تقویت نظام حقوقی و عدالت برای همه و ترویج دیالوگ سیاسی.

به امید آیندهء بهتر و درخشان برای افغانستان و مردم آن.

***